

پدیدارشناسی جهان اجتماعی

آلفرد شوٲس

ترجمه: علی نجات غلامی

فصل نخست:

بیان مسئله‌ی ما: مفاهیم روش‌شناختی بنیادین ماکس وبر

(1) برآوردی اولیه از مسئله:

یکی از قابل‌ذکرترین پدیده‌ها در پنجاه سال گذشته در تاریخ فکری آلمان، مناقشه بر سر خصیصه‌ی علمی جامعه‌شناسی¹ بوده است. علامت مشخصه‌ی مطالعه‌ی نظام‌مند² رابطه‌ی فرد با جامعه³، از همان آغاز، جدالی پرحرارت هم بر سر رویه‌ی متناسب⁴ آن و هم بر سر هدف⁵ آن است. این مباحثه، مانند دیگر حوزه‌ها به پرسش‌هایی بر سر درستی این یا آن نظریه⁶ یا صحت این یا آن روش⁷ محدود نشده است. در عوض، کل موضوع علوم اجتماعی⁸ چونان چیزی یگانه در جایگاه راستین خاص خودش⁹ و نیز دارای وجودی پیشین در تجربه‌ی پیش‌علمی¹⁰، خودش زیر سؤال است. مثلاً در یک اردوگاه، می‌بینیم که پدیده‌های اجتماعی¹¹ دقیقاً آنگونه بررسی می‌شوند که توگویی پدیده‌هایی طبیعی¹² هستند، یعنی به مثابه رخدادهای فیزیکی‌ای¹³ که به‌طور علی متعین¹⁴ اند. با این حال، در اردوگاه دیگر، تقابلی شدید را می‌بینیم که بین این دو طبقه از پدیده‌ها ترسیم شده است [یعنی، پدیده‌های اجتماعی و پدیده‌های طبیعی]. پدیده‌های اجتماعی، در اینجا به مثابه متعلق به یک گایست اِبژکتیو [*objektiver Geist*]¹⁵ تلقی می‌شوند، یعنی جهانی که یقیناً قابل درک هست¹⁶، اما تحت صورتی از قوانین علمی¹⁷. غالباً کفایت می‌کند که نگرش دانشمند اجتماعی¹⁸ نسبت به این موضوع با

¹ -the controversy over the scientific character of sociology

² -systematic study

³ -the relationship of the individual to society

⁴ -proper procedure

⁵ -goal

⁶ -the truth of this or that theory

⁷ - the correctness of this or that method

⁸ -the whole subject matter of the social sciences

⁹ -unique in its own right

¹⁰ -having prior existence in prescientific experience

¹¹ -social phenomena

¹² -natural phenomena

¹³ -physical events

¹⁴ -causally determined

¹⁵ -intelligible

¹⁶ -under the form of scientific laws

¹⁷ -the attitude of the social scientist

پیش فرض‌های^{۱۸} خود وی، اعم از متافیزیکی، اخلاقی و سیاسی و یا قضاوت‌های ارزشی^{۱۹} از هر نوع که باشند، متعین می‌شود. این پیش فرض‌ها می‌توانند به‌طور ضمنی مفروض باشند^{۲۰} و یا علناً ابراز شوند^{۲۱}. دانشمند اجتماعی در مسیر تحقیقات‌اش خود را گرفتار در مشکلاتی می‌بیند که حل‌شان ضروری به نظر می‌رسد اگر کار او قرار باشد اصلاً معنایی داشته باشد. آیا علم اجتماعی دغدغه‌اش خود بودنِ انسان^{۲۲} است یا نحوه‌های مختلف رفتار اجتماعی^{۲۳} وی؟ آیا جامعه سابق بر فرد است^{۲۴}، چونانکه جدای از کل اجتماعی^{۲۵}، فرد اصلاً وجود نداشته باشد؟ یا آیا ما باید به نحوی کاملاً متفاوت بپرسیم که فرد به تنهایی وجود دارد و سازمان‌های اجتماعی^{۲۶}، شامل خود جامعه، صرفاً انتزاعیاتی^{۲۷} – یعنی «کارکردهایی^{۲۸}» از رفتارهای افراد جداگانه^{۲۹} – هستند؟ آیا بودن اجتماعیِ انسان^{۳۰}، آگاهی‌اش^{۳۱} را متعین می‌کند یا آگاهی او بودن اجتماعی‌اش را؟ آیا تاریخ انسان و فرهنگ او می‌توانند به قوانینی همچون قوانین اقتصاد فروکاسته شوند؟ و یا در مقابل، آیا ما نمی‌توانیم بگوییم که «قوانین» موسوم به اجتماعی و جامعه‌شناختی صرفاً بیانی از منظرگاه‌های^{۳۲} تاریخیِ زمانه‌ای هستند که در آن فرموله شده‌اند؟ با مواجهه با همه این دایلم‌ها [مسائل غامض]^{۳۳}، چندان جای تعجب نیست که بسیاری از دانشمندان اجتماعی تلاش دارند که با آنها به نحوی نابالغ با شبه‌راه‌حل‌هایی خام^{۳۴} که از تمایلات و جانبداری‌های سوپژکتیویشان^{۳۵} نشأت گرفته است برخورد کنند. تمایلات و جانبداری‌هایی که مبتنی بر مزاج و خلق و خو^{۳۶}، سیاست و یا در بهترین حالت متافیزیک هستند.

حال، راه‌حل‌های پیشینی این ماهیت^{۳۷}، به سختی منطبق با اصول بنیادین تحقیق علمی هستند، یعنی اصولی که ما را فرا می‌خوانند که فاکت‌های پیش‌روی‌مان را بفهمیم و توصیف کنیم^{۳۸}. تا جهان

18 -presuppositions

19 -value judgments

20 -tacitly assumed

21 -openly stated

22 -the very being of man

23 -different modes of social behavior

24 -Is society prior to the individual

25 -the social whole

26 -social organizations

27 -abstractions

28 -functions

29 -the behavior of separate individuals

30 -man's social being

31 -his consciousness

32 -perspectives

33 -dilemmas

34 -naive pseudo-solutions

35 -subjective biases

36 -temperamental

37 -a priori solutions of this nature

38 -to understand and describe the facts before us

فاکت‌های اجتماعی^{۳۹} را با چشمی غیرجانبدارانه^{۴۰} بنگریم، تا این فاکت‌ها را تحت مفاهیمی در صادقانه‌ترین^{۴۱} و منطقی^{۴۲}‌ترین شیوه طبقه‌بندی کنیم و موضوع تحلیلی دقیق از مواد و مفادی که اینگونه به دست می‌آیند کنیم – این باید هدف هدایتگر^{۴۳} هر قطعه‌ای از تحقیق اجتماعی‌ای باشد که لایق نام علم^{۴۴} است.

پذیرش این هدف، منتهی به تقاضایی برای نظریه‌ای درباب خاستگاه جامعه‌ی انسانی^{۴۵} می‌شود. این از لیاقت بی‌چون و چرای زیمل بود که این مسئله را دید و در حل آن کوشید. یقیناً، روش‌شناسی زیمل به طرق مختلفی مختل و غیرنظام‌مند است. در نتیجه، او مداوماً پیش‌فرض‌هایی نظری را درباره‌ی ماهیت جامعه، در دل پدیده‌های خاصی که آنها را می‌پژوهید تزریق می‌کرد. زیمل در مطالعات تخصصی‌اش، سهمی پایدار و ارزنده دارد، اگرچه تعداد اندکی از مفاهیم بنیادین‌اش از تیغ دقت انتقادی جان به در می‌برند، حتی مفهوم کلیدی او یعنی تأثیر دوسویه^{۴۶} (WechsehviTkung). با وجود این، ایده‌ی زیرلایه‌ی زیمل، ثمربخشی خود را به اثبات رسانیده و هنوز هم سودمند است. این ایده آن عقیده است که همه پدیده‌های انضمامی اجتماعی باید به عقب تا نحوه‌های رفتار فرد، ردیابی شوند^{۴۷} و اینکه صور جزئی اجتماعی چنین نحوه‌هایی باید از خلال توصیفی مفصل فهم شوند^{۴۸}.

«جامعه‌شناسی تفسیری^{۴۹} [verstehende Soziologie]» ماکس وبر، نقطه‌ی عزیمت‌اش را از همین ایده‌ی پایه‌ای می‌گیرد. این به معنای زیر سؤال بردن اصالتِ سهم عظیم وبر و یا حتی به معنای وابستگی‌اش به زیمل نیست. در مقابل، کار وبر، ضمن ترسیم بسیاری از جریان‌ات زمانه‌اش با هم، سرتاسر محصولی یگانه از نابغه‌ای شگفت‌انگیز است. این او بود که به جامعه‌شناسیِ امروز آلمانی جهتی که تاکنون در مقام یک علم نه یک ایدئولوژی^{۵۰} داشته است را بخشوده است، و این او بود که ابزاری که برای وظیفه‌اش نیاز دارد را بدان داده است. مهم‌ترین کارهای جامعه‌شناسی معاصر آلمانی

39 -the world of social facts

40 -an unbiased eye

41 -honest

42 -logical

43 -the guiding aim

44 -science

45 -a theory of the origin of human society

46 -reciprocal effect

47 -all concrete social phenomena should be traced back to the modes of individual behavior

48 -the particular social form of such modes should be understood through detailed description

49 -interpretive sociology

50 -a science rather than an ideology

مثلاً جامعه‌شناسی‌های شلر، وایز، فرایر و ساندرا^{۵۱} قابل درک نبودند، اگر وبر در آغاز، بنیان را طراحی نمی‌کرد.

حال دستاورد عظیم ماکس وبر در چه چیزی است؟ در وهله‌ی نخست، او آن کسی بود که نخستین بار دعوی کرد که علوم اجتماعی باید از قضاوت‌های ارزشی خودداری کند^{۵۲}. او نبردی را علیه آن ایدئولوژی‌های اخلاقی و سیاسی‌ای که به راحتی متأثر از داوری دانشمند اجتماعی بودند، چه این داوری صریح باشد یا تلویحی، آغاز کرد. در همین راستا، او وظیفه‌ی جامعه‌شناسی را نه نظوروری متافیزیکی^{۵۳}، بلکه توصیف ساده و صریح زندگی در جامعه دانست^{۵۴}. «برای او جامعه‌شناسی دیگر فلسفه‌ی وجود انسانی^{۵۵} نیست. جامعه‌شناسی یک علم خاص درباره‌ی رفتار انسانی و پی‌آیندهای آن است»^{۵۶}.

ساختار منطقی جامعه‌شناسی او^{۵۷}، منطبق با این موضع پایه‌ای است. با آغاز از مفاهیم کنش اجتماعی^{۵۸} و روابط اجتماعی^{۵۹} (*soziale Beziehung*)، او با ابزار توصیفات و نوع‌بندی‌های همواره نو^{۶۰}، دو مقوله^{۶۱}ی «روابط جمعی» (*communal relationship*) [Vergemeinschaftung] و «روابط انجمنی» (*associative relationship*) [Vergesellschaftung] را مشتق می‌کند. آنگاه با معرفی مفهوم نظم^{۶۲}، نوع‌های خاص گروه‌های متعاون^{۶۳} و انجمن‌های الزامی^{۶۴} را استنباط می‌کند. شیوه‌ای که وبر به این آپارتوس منطقی^{۶۵} به منظور پرداختن به اقتصاد، حاکمیت، حقوق و دین به مثابه پدیدارهای اجتماعی می‌پردازد را نمی‌توان به تفصیل اینجا وصف کرد. آنچه در اینجا دغدغه‌ی ماست این است که وبر همه‌ی انواع ساختار و روابط اجتماعی، یعنی همه ابژکتیوسازی‌های فرهنگی^{۶۶}، یعنی همه‌ی قلمروهای گایست

⁵¹ -Scheler, Wiese, Freyer, and Sander

⁵² -the social sciences must abstain from value judgments

⁵³ -metaphysical speculation

⁵⁴ -as the simple and accurate description of life in society

⁵⁵ -the philosophy of human existence

⁵⁶ -the particular science of human behavior and its consequences

⁵⁷ -The logical structure of his sociology

⁵⁸ - social action

⁵⁹ -social relationship

⁶⁰ -ever new descriptions and typifications

⁶¹ -two categories

⁶² -order

⁶³ -corporate groups

⁶⁴ -compulsory associations

⁶⁵ -logical apparatus

⁶⁶ -cultural objectifications

ابژکتیو^{۶۷}، را به اولیه‌ترین صور رفتار منفرد^{۶۸} فرو می‌کاهد^{۶۹}. به یقین، همه‌ی پدیدارهای پیچیده‌ی جهان اجتماعی، معنای‌شان را ابقاء می‌کنند، اما این معنا دقیقاً آنی است که افرادِ درگیر^{۷۰}، به کنش‌های خاص خودشان ملحق می‌کنند. کنشِ فرد^{۷۱} و معنای قصدشده‌اش^{۷۲} به تنهایی موضوع فهمِ تفسیری^{۷۳} است. بعلاوه، فقط بنا به چنین فهمی از کنش فرد است که علم اجتماعی می‌تواند به معنای هر یک از روابط اجتماعی و ساختارهای اجتماعی دست یابد، یعنی در واپسین تحلیل بر پایه‌ی کنش فرد در جهان اجتماعی، به مثابه آنچه هستند قوام بیابند^{۷۴}.

هرگز، پروژه فروکاستن «جهان گایستِ ابژکتیو^{۷۵}» به رفتار افراد، اینقدر که بیان آغازین ماکس وبر از هدف جامعه‌شناسی تفسیری ابراز می‌کند، به طور رادیکال انجام نشده بود. این علم عبارت است از مطالعه رفتار اجتماعی با تفسیر معنای سوژکتیو آن^{۷۶}، آنگونه که در قصدهای افراد یافت می‌شود^{۷۷}. پس هدف، تفسیر کنش‌های افراد در جهان اجتماعی و شیوه‌هایی است که افراد بدان شیوه‌ها به پدیدارهای اجتماعی معنا می‌بخشند^{۷۸}. اما برای حصول این هدف، مشاهده‌ی رفتار یک فردِ تک^{۷۹} یا گردآوری آمارها^{۸۰} درباره‌ی رفتارِ گروه‌های افراد^{۸۱}، آن‌طور که تجربه‌انگاریِ خام^{۸۲} باور دارد، کفایت نمی‌کند. در عوض، هدف خاص جامعه‌شناسی، مقتضیِ یک روش خاص به منظور گزینش مواد مربوطه برای پرسش‌های خاصی است که با این گزینش این برانگیخته می‌شوند. این گزینش، از طریق فرمول‌بندیِ برساخت‌های خاص نظری^{۸۳} خاصی به نام «ایده‌آل تایپ‌ها^{۸۴}» ممکن می‌شود. این ایده‌آل تایپ‌ها، به هیچ روی همان میانگین‌های آماری^{۸۵} نیستند، زیرا آنها بر طبق نوعی از پرسش که در آن زمان پرسیده شده است گزینش شده‌اند و منطبق با مقتضیاتِ روش‌شناسانه‌ی چنین پرسش‌هایی

⁶⁷ -objective Geist

⁶⁸ -the most elementary forms of individual behavior

⁶⁹ -reduces

⁷⁰ -individuals involved

⁷¹ -The action of the individual

⁷² -its intended meaning

⁷³ -subject to interpretive understanding

⁷⁴ -constituted

⁷⁵ -world of objective Geist

⁷⁶ -interpreting its subjective meaning

⁷⁷ -as found in the intentions of individuals

⁷⁸ -The aim, then,

is to interpret the actions of individuals in the social world and the ways in which individuals give meaning to social phenomena

⁷⁹ -single individual

⁸⁰ -to collect statistics

⁸¹ -groups of individuals

⁸² -crude empiricism

⁸³ -the formulation of certain theoretical constructs

⁸⁴ -ideal types

⁸⁵ -statistical averages

برساخته می‌شوند. با وجود این، ایده‌آل تایپ‌ها، فانتوم‌های [خیال‌ها]^{۸۶} تهی یا صرفاً محصولاتی از تخیل^{۸۷} نیز نیستند، زیرا آنها باید بنا به مواد تاریخی انضمامی^{۸۸} که داده‌های دانشمند اجتماعی را شکل می‌دهند تصدیق شوند. با این روش از برساختن و تصدیق ایده‌آل تایپ‌ها^{۸۹}، معنای پدیدارهای اجتماعی خاص می‌تواند لایه به لایه به مثابه معنای از حیث سوژکتیو قصدشده‌ی کنش‌های انسانی^{۹۰} تفسیر شود. بدین شیوه، ساختار جهان اجتماعی می‌تواند به مثابه ساختاری از معانی قصدی قابل درک^{۹۱}، منکشف شود.^{۹۲}

اما، همانقدر که مفهوم «جامعه‌شناسی تفسیری» وبر باابهت است، متکی بر رسته‌ای از پیش‌فرض‌های تلویحی^{۹۳} نیز هست. الان ضرورتی عاجل است که این پیش‌فرض‌ها روشن شده و با وضوح بیان شوند، زیرا فقط یک تحلیل رادیکال از مولفه‌های اصیل و اساسی کنش اجتماعی می‌تواند بنیادی قابل اتکاء برای توسعه‌ی علوم اجتماعی در آینده فراهم آورد. برای ماکس وبر فقط زمانی این ضرورت روشن می‌شد و آنگاه با کم میلی آشکاری بدانها می‌پرداخت که خودش را درگیر بنیان‌های نظری جامعه‌شناسی^{۹۴} می‌دید، چراکه عمدتاً ترجیح می‌داد روی مسائل انضمامی^{۹۵} کار کند. او به مسائل شناخت‌شناسانه^{۹۶} فقط تا آنجایی علاقه داشت که فشارشان را مستقیماً بر تحقیقات تخصصی احساس می‌کرد و به وی ابزاری برای پیگیری آنها می‌بخشید. وقتی این ابزار در دسترس‌اش قرار می‌گرفت، علاقه‌اش به مسائل بنیادین‌تر^{۹۷} از دست می‌رفت. همان‌قدر که همیاری‌های وبر در روش‌شناسی مهم است، و همان‌قدر که دیدگاه‌های او درباره‌ی وظیفه‌ی صورت‌بندی مفهوم^{۹۸} در علوم اجتماعی فسادناپذیر است، و همان‌قدر که شِم فلسفی او برای یک موضع حساس و صحیح در خصوص مسائل شناخت‌شناسانه^{۹۹} قابل ستایش است که یک محکم‌سازی کامل از زیر^{۱۰۰} برای نتایج‌اش با یک منظرگاه

⁸⁶ -phantoms

⁸⁷ -products of phantasy

⁸⁸ -the concrete historical material

⁸⁹ -method of constructing and verifying ideal types

⁹⁰ -human acts

⁹¹ -a structure of intelligible intentional meanings

⁹² -disclosed

⁹³ -a series of tacit presuppositions

⁹⁴ -the theoretical foundations of sociology

⁹⁵ -concrete problems

⁹⁶ -epistemological problems

⁹⁷ -the more fundamental problems

⁹⁸ -concept formation

⁹⁹ -the correct critical position on epistemological questions

¹⁰⁰ -the thorough undergirding

جامع فلسفی ایمن^{۱۰۱} در خصوص خودش، اندک بوده است. در واقع او اصلاً علاقه‌ی اندکی به روشن‌سازی^{۱۰۲} پیش‌فرض‌های فلسفی حتی مفاهیم اولیه‌اش^{۱۰۳} داشت.

در همین نقطه است که محدودیت‌های نظری وبر عیان می‌شوند. او تحلیل‌اش را از جهان اجتماعی^{۱۰۴} وقتی که به آنچه می‌رسد که مولفه‌های اساسی و تقلیل‌ناپذیر پدیدارهای اجتماعی^{۱۰۵} فرض می‌کند، قطع می‌کند. اما او در این فرض، برخطاست. تصور او از کنش معنادار فرد^{۱۰۶} – یعنی ایده‌ی کلیدی جامعه‌شناسی تفسیری – به هیچ وجه معرف یک امر اولیه^{۱۰۷} آن‌طور که او فکر می‌کرد نیست. در مقابل، صرف سرتیتری بر یک حوزه‌ی بسیار پیچیده و منشعب است که نیازمند مطالعه‌ی بسیار بیشتری است. وبر تمایزی بین کنش [action]، که به مثابه چیزی در جریان لحاظ می‌شود^{۱۰۸} و کنش تکمیل‌شده^{۱۰۹}، بین معنای تولیدکننده‌ی یک ابژه‌ی فرهنگی^{۱۱۰} و معنای ابژه‌ی تولیدشده^{۱۱۱}، بین معنای کنش خود من^{۱۱۲} و معنای کنش دیگری^{۱۱۳}، بین تجربه‌ی خود من^{۱۱۴} و تجربه‌ی یکی دیگر^{۱۱۵}، بین فهم من از خودم^{۱۱۶} و فهم‌ام از شخصی دیگر^{۱۱۷} نمی‌گذارد. او نمی‌پرسد که چگونه یک معنا برای کنشگر^{۱۱۸} قوام می‌یابد^{۱۱۹} و یا این معنا چه تعدیلاتی^{۱۲۰} را برای شریک‌های^{۱۲۱} او در جهان اجتماعی و یا برای یک مشاهده‌گر غیرمشارکت‌کننده^{۱۲۲} از سر می‌گذارند. او نمی‌کوشد رابطه‌ی یگانه و بنیادین موجود بین خود و دیگر-خود^{۱۲۳} را روشن سازد، رابطه‌ای که روشن‌سازی آن برای فهمی درست از آنچه شخص دیگر بناست بشناسد، اساسی است. به یقین، وبر بین معنای از حیث سوژکتیو قصدشده‌ی یک کنش^{۱۲۴}

¹⁰¹ -a secure over-all philosophical point of view

¹⁰² -clarification

¹⁰³ -primary concepts

¹⁰⁴ -his analysis of the social world

¹⁰⁵ -the basic and irreducible elements of social phenomena

¹⁰⁶ -the meaningful act of the individual

¹⁰⁷ -a primitive

¹⁰⁸ -considered as something in progress

¹⁰⁹ -the completed *act*

¹¹⁰ -the meaning of the producer of a cultural object

¹¹¹ -the meaning of the object produced

¹¹² -between the meaning of my own action

¹¹³ -the meaning of another's action

¹¹⁴ -my own experience

¹¹⁵ -experience of someone else

¹¹⁶ - my self-understanding

¹¹⁷ - my understanding of another person

¹¹⁸ - an actor's meaning

¹¹⁹ - is constituted

¹²⁰ - modifications

¹²¹ - partners

¹²² - a nonparticipating observer

¹²³ - fundamental relation existing between the self and the other self

¹²⁴ - the subjectively intended meaning of an action

و معنای از حیث ابژکتیو قابل شناخت آن^{۱۲۵}، تمایز می‌گذارد، اما او تمایزی بیش از این را در این خط تشخیص نمی‌دهد.

¹²⁵ - its objectively knowable meaning